


# رفتارشناسی شخصیت‌های «سکوت کیست»؟

روح‌الله مهدی‌پور‌عمرانی

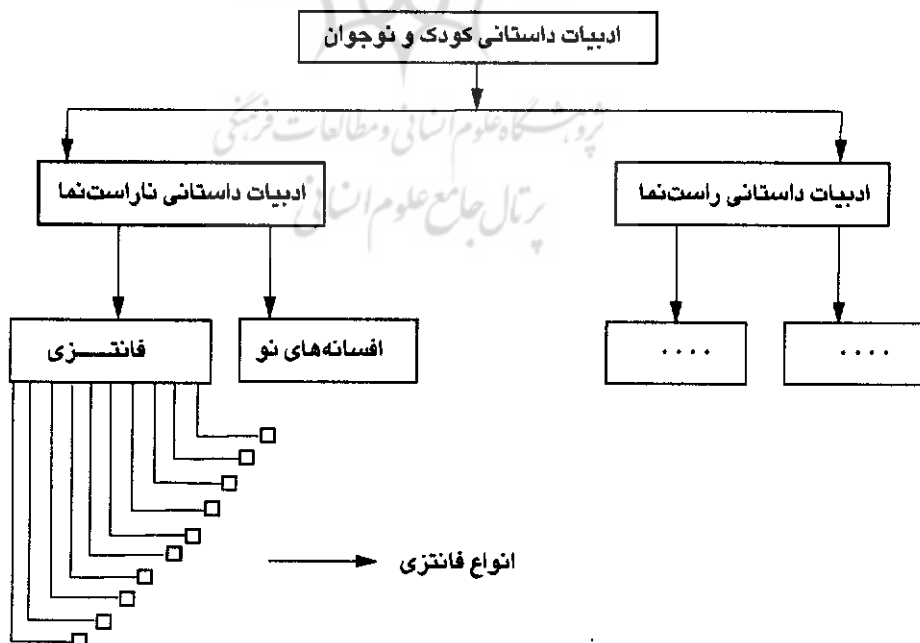


**سکوت کیست؟**  
داستان‌های خیال‌انگیز  
نویسنده: بیفکنی قلی‌آف  
ترجمه: شهلا طهماسبی  
ناشر: چشمه  
چاپ اول: زمستان ۱۳۷۵، تهران  
چاپ دوم: بهار ۱۳۷۹، تهران  
بها: ۵۰۰ تومان

در یک تقسیم‌بندی کلی، ادبیات داستانی حوزه کودکان و نوجوانان را به این صورت می‌توان نشان

داد:

نمودار شماره یک: نمای کلی داستان‌های کودکان و نوجوانان



داستان‌های حوزه راست‌نما در ادبیات کودکان و نوجوانان، سویمندی‌های ویژه خود را دارند. در این گونه داستان‌ها، رویدادها، از زندگی واقعی، گزینش می‌شوند. راستینگی رویدادهای این گونه داستان‌ها، با ذهنیت خیالپرداز و فانتاستیک کودکان، سازگاری چندانی ندارد، اما برای مخاطب نوجوان، از قابلیت درک و دریافت بیشتر و بالاتری برخوردار است. روشن‌تر گفته شود، حوادث این داستان‌ها در جهان فروتر که جهان عینی است، روی می‌دهد و با قوانین و قانونمندی‌های سازگار با آن جریان می‌یابد. حوادث، در این حوزه، ممکن‌الوقوع‌تر و به همین دلیل باور پذیرترند.

شخصیت‌ها نیز در این داستان‌ها، شخصیت‌هایی انسانی و شناخته شده‌اند. اگر چه ممکن است شخصیت‌های جانوری و گیاهی و حتی اشیا در پاره‌ای از داستان‌های راست‌نمای حوزه نوجوانان و کودکان حضور داشته باشند، محوریت ندارند. یک نکته را نباید فراموش کرد و آن، این که واقع‌گرایی، آن گونه که در حوزه بزرگسال کاربُرد و باورپذیری دارد، در حوزه ادبیات داستانی کودکان و نوجوانان کاربُرد و کارکرد مخاطبی و پذیرشی چندانی ندارد. چرا که کودک و نوجوان، اساساً با خیال زندگی می‌کند.

شاید آشناترین نمونه‌های داستان‌های راست‌نما در حوزه کودک و نوجوان که در ایران نوشته شده، داستان‌های صمد بهرنگی باشد. حساب داستان‌های «ماهی سیاه کوچولو»، «اولدوز و کلاغ» و «اولدوز و عروسک سخنگو» را باید از نمونه‌های اشاره شده، جدا کرد. در این سه داستان، جلوه‌هایی از جهان فراتر و ذهنیت خیالپرورد نویسنده و خواننده، نقش و نمود دارد و پیکره این داستان‌ها را از گونه راست‌نما، متمایز می‌سازد. اما بقیه و بیشتر داستان‌های بهرنگی، در حوزه راست‌نما جای می‌گیرند. بازآفرینی رویدادهای تاریخی و سرگذشت و زندگی بزرگان علم و ادب و همچنین، پیامبران و پیشوایان برای کودکان و

نوجوانان، در این راستا قرار می‌گیرند. آن چه در این جُستار، به صورت فشرده نشان داده شد، خود موضوع گفتاری گسترده است که در این مجال، زمان رسیدگی به آن فراهم نیست.

بنابراین، به حوزه داستان‌های ناراست‌نما برمی‌گردیم و درباره آن سخن می‌گوییم. از آن جا که موضوع اصلی این گفتار، بازنشاسی ساز و کار داستان‌های ناراست‌نماست، می‌کشیم تا در لابه‌لای بررسی کتاب «سکوت کیست»، این حوزه از ادبیات داستانی کودکان و نوجوانان را مورد شناسایی و ارزیابی قرار دهیم.

یفکنی (یوگنی) قلی‌اف، در ۲۲ داستانک کتاب «سکوت کیست؟» در راه داستان‌های ناراست‌نما، گام برداشته است. داستانک‌های کتاب نامبرده، با آن که بهره‌ای از جنبه‌های آشنای دنیای فانتزی بُرده‌اند، اما بیش از آن که پیکره و پیامی فانتاستیک داشته باشند، افسانه‌های تواند و همان گونه که در روی جلد کتاب، نوشته شده، داستان‌هایی خیال‌انگیزند. این ترکیب وصفی، نباید ذهن خواننده را به سوی داستان‌های علمی - تخیلی ببرد. خواننده، پس از خواندن داستانک‌های کتاب، پی خواهد بُرد که با آن که داستان‌ها در دهه پایانی قرن بیستم، نوشته شده‌اند، به گونه‌ای نرم و ریز و - شاید - زیرکانه، از نزدیکی و آمیزش با فناوری و جنبه‌های فزادذهنی به کارگیری رایانه، پدیده‌ها و جانداران ناپیدای آسمانی، پرتوهای سهمناک ناشناخته، کارکردهای نیروهای ناشناس زمینی و آسمانی و دیگر جلوه‌های رازناک هستی، دور مانده‌اند.

این، یک داورِ فراگیر نیست؛ چرا که باید همه متن‌های روسی خوانده شود تا آن گاه این رأی استوار، پایه دانشی و زمینه پذیرش بیابد. شاید یکی از علت‌های این نارسائی، دشواری زبان مبدأ (روسی) و کم اشتیاقی مترجمان ایرانی به زبان و ادبیات روسی باشد. البته، علت‌های دیگری نیز در این زمینه به ذهن می‌آید؛ مانند گرفتاری‌هایی که

این کشور در دهه پایانی سده بیستم، در درون و بیرون مرزها پیدا کرده که به گونه‌ای، گوشه‌نشینی است. به هر حال، یفگنی قلی‌اف، رختی نو و امروزی بر تن افسانه‌های کهن پوشانده، آن‌ها را از پستوهای تاریک و نمناک بیرون آورده و به دست آفتاب سپرده است. این افسانه‌های نو، از آن جا که توانایی‌های فراوانی - هم در پیکره و هم در پیام - دارند، از جنبه‌ها و زاویه‌های گوناگون، بحث‌انگیز و بالارزش‌اند. در این گفتار، کوشیده‌ایم یکی از این جنبه‌ها را برگزیده و پی بگیریم.

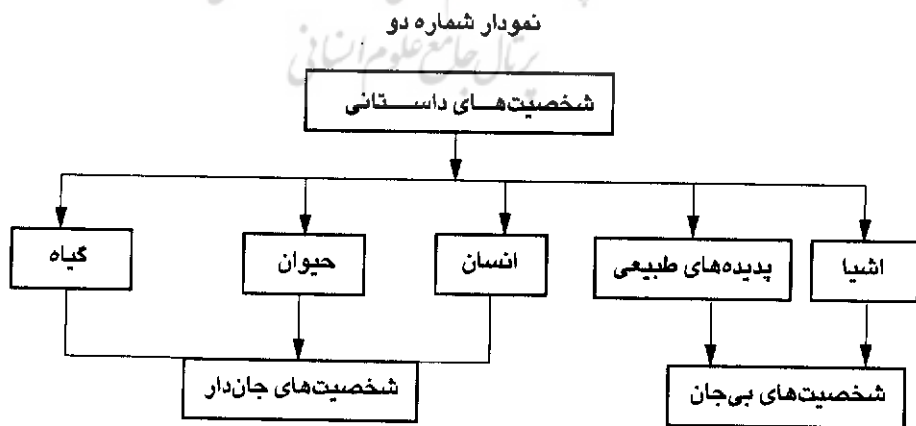
چندگانه‌ی آدم داستانی را نشان می‌دهد:

در داستان‌های ۲۲ گانه کتاب، شخصیت‌های انسانی، کم‌ترین جایگاه را دارند. شخصیت‌های جانوری، پس از شخصیت‌های انسانی ایستاده‌اند و جایگاه بعدی، از آن شخصیت‌های گیاهی است. بیشترین نقش و نمود را شخصیت‌های بی‌جان (اشیا و پدیده‌های طبیعی) دارند. بنابراین، می‌توان بر جنبه‌های ناراست‌نمایی داستان پای فشارد. کنش‌ها و رفتارهای غیرطبیعی و فراطبیعی در این فضا، بیشتر از کردارها و کنش‌های طبیعی و واقعی است. این جایگیری‌ها که در شناختِ رو ساخت و ژرف‌ساخت داستان‌ها، ابزار کاربُردی خوبی است، زمانی که با نمودار، نشان داده شود، به ذهن نزدیک‌تر می‌نماید. معمولاً در این گونه نمودارها که جایگاه مورد نظر است، نمودار هرمی را به کار می‌برند.

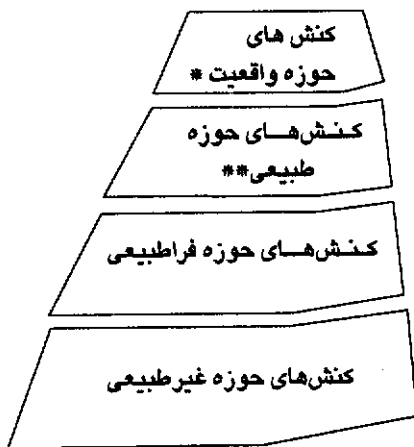
هر شخصیتی، خواه آدمی، خواه غیرآدمی (جانور، گیاه، پدیده طبیعی، شیئی) در پیوند با پیرامون خود، ناگزیر از دسته‌ای رفتار و کردار است. شناخت این رفتارها و کردارها، به خواننده متن کمک می‌کند تا به لایه‌های درونی متن پی برده، لذت و بهره بایسته را از خواندن متن ببرد. از آن جا که روشن‌داشتن ریشه‌های رفتار و کردار آدم‌های داستان، نیازی فراموش نشدنی به شمار می‌رود، پیش از پرداختن به رفتارها و کانون‌های کرداری

### رفتارشناسی شخصیت در داستان‌های خیال‌انگیز

نمودار شماره دو



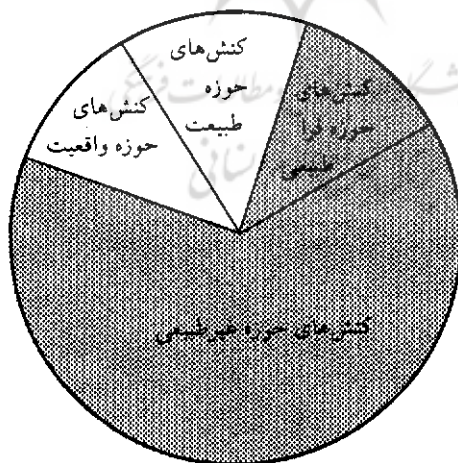
نمودار شماره سه



\* حوزه واقعیت، بیشتر حوزه اجتماعی و انسانی است.  
 \*\* در این حوزه، بیشتر جانوران، گیاهان و اشیا و پدیده‌های طبیعی قرار دارند.

در این هرم، جهان واقعی که جهان فروتری است، در رأس هرم قرار دارد و سهم بسیار کمی را به خود اختصاص داده است. جهان داستانی که می‌توان آن را جهان فراتری نامید، پس از حوزه طبیعی آغاز می‌شود و به سوی قاعده هرم گسترش می‌یابد و در نتیجه، بیشترین سهم را دربر می‌گیرد. قدرالسهم این دو حوزه (دو جهان) را به وسیله نمودار دایره‌ای نیز می‌توان نشان داد.

نمودار شماره چهار: نمایه جایگاه جهان فروتری در داستان‌های خیال‌انگیز



□ جهان فروتری (عینی)  
 ■ جهان فراتری (ذهنی)

پدیده‌های بی‌جان، با داستان‌نویس خود همراهی می‌کند. اگر این آمادگی ذهنی در کودک و نوجوان نبود، راست‌نگاری و راست‌نمایی کنش‌ها و کردارهای انسانواره شخصیت‌های بی‌جان و غیرانسانی یا میسر نبود و یا این که به دشواری انجام می‌گرفت.

قلی‌اف، در داستانک‌های خود، آمیزه‌ای از شخصیت‌های انسانی و غیرانسانی را به کار گرفت. این رویکرد، با سرشت زندگی و جهان راستین بیرون از داستان، سازگاری دارد. کودک در پیرامون خود، پدر، مادر و... (شخصیت‌های انسانی) و حیوانات رام و نارام (سگ، گربه، کبوتر از یک سو و روباه، پلنگ، بوزینه و... در باغ وحش) و چیزهای بی‌شماری از پدیده‌های بی‌جان را می‌بیند. بنابراین، اگر در داستان به این جهان بازسازی شده، برخورد می‌کند، به آسانی آن را می‌پذیرد و حضور و رفتارهای آن‌ها را برمی‌تابد. خواننده داستان‌های این کتاب، با انبوهی از شخصیت‌های گوناگون روبه‌روست که شناخت آن‌ها در همراهی با داستان و داستان‌نویس، نقش به‌سزایی دارد. بنابراین، شخصیت‌های داستان‌های کتاب «سکوت کیست» را در یک جدول گرد می‌آوریم و نقش و نمود آن‌ها را بررسی می‌کنیم.

هر چند ممکن است در بعضی از داستان‌های خیال‌انگیز، سهم و جایگاه این دو جهان و حوزه‌های مرتبط با آن، اندکی کم و زیاد شود، نسبت‌ها به گونه‌ای است که در نمودار، نشان داده شده است.

در ادبیات داستانی، از گونه‌ی راست‌نما، این هرم، واژگون نشان داده می‌شود. شخصیت‌های انسانی و حیوانی، به زندگی کودکان و نوجوانان نزدیک‌ترند و به همین دلیل، باورپذیرتر می‌نمایند. هر چه از شخصیت‌های انسانی، به سوی شخصیت‌های غیرانسانی (گیاهی، اشیاء، پدیده‌های طبیعی، شخصیت‌های ساخته دست، شخصیت‌های ساخته ذهن و...) پیش می‌رویم، کار داستان‌نویس، دشوارتر می‌شود. زیرا این شخصیت‌ها به اندازه شخصیت‌های راست‌نما، برای کودکان و نوجوانان آشنا نیستند. بنابراین، کنش‌ها و کردارهای این شخصیت‌ها باید دوباره برای مخاطبان کم‌سن و سال تعریف شود. این بازشناسی، در بیرون از متن جایی ندارد. پس، نویسنده باید همه توان خود را به کار گیرد تا رفتار و کردار این شخصیت‌ها را به رفتار و کردار شخصیت‌های شناخته شده انسانی نزدیک سازد. خوشبختانه، کودکان و نوجوانان، با داستان‌نویس خود، در یک چیز مشترک‌اند و آن «تخیل» است. کودک و نوجوان، با ذهن کوشای خیال‌ورز خود، در جاندار پنداری موجودات و

نمودار شماره پنج: گونه‌شناسی شخصیت، در داستان‌های «سکوت کیست»

نام داستان	شخصیت‌های اشیایی	شخصیت‌های پدیده طبیعی	شخصیت‌های جانوری	شخصیت‌های گیاهی	شخصیت‌های انسانی
نر خیلی پر سر و صدا	در- کمد صندلی میز تحریر	—	—	—	پدر بزرگ + دختر همسایه
ساعت آهنکین	ساعت دیواری ساعت آهنکدار	—	—	—	پدر بزرگ - مادر بزرگ پسر بچه موطلابی پدر - ساعت‌ساز
خواب ترسناک	پیژامه راه‌راه دمپایی - مدال طلا چهارپایه	صبح دل‌انگیز خواب کوتاه شکل قرمز	—	—	—

نمودار شماره پنج: گونه‌شناسی شخصیت، در داستان‌های «سکوت کیست» (ادامه)

نام داستان	شخصیت‌های انشایی	شخصیت‌های پدیده طبیعی	شخصیت‌های جانوری	شخصیت‌های گیاهی	شخصیت‌های انسانی
داستان‌های خیال‌انگیز مداد معمولی	مداد معمولی چراغ خواب جامدادی مداد‌های رنگی کشموی میز	ماه	پرنده‌ها	مردم	
قانون طبیعت	—	—	اوریاغنه - ملخ لک‌لک - ملخک کلاغ‌پیر	درخت بلوط	—
برف‌دانه سبک‌مغز	ماشین‌ها	برف - یاد ابر - ستاره	—	—	پسر بچه‌ها
به شکل چیزها در آمدن	رویاب - پرچم لقه کوه - کمان	ابرسفید - ابر آبی	گوسفند - فیل لک‌لک	گل	شاهزاده خانم
لدم رو	میز	—	مگس	لیموترش سیب	ژنرال - وزیر - سربازها سرگرد - دریا سالارها
پژ سفید	پرسفید - اتومبیل‌ها	نسیم	پشه	—	پیرزن - پلیس آدم‌های رهگذر
ستاره‌های که از همه ستاره‌ها کوچک‌تر بود	—	ستاره	بچه سنجاب - پروانه پرنده‌های - هشرات خرگوش - فاخته شتر - عمه سنجاب خانم سنجاب - کلاغ	درخت	—
ثوپ ترکیده	ثوپ - چوب‌اسکی راکت - دکمه کوچولو - ثوپ راه‌راه	—	—	—	—
یاد دادن رفتار درست به جارو	جارو - در قفسه پایه قفسه - نیمکت بزرگ - قالیچه خاک‌انداز	—	—	—	—
قوری کوچک	ماهی‌تابه‌دن‌کشاد کارد - چنگال قوری کوچک - جارو لنجان - قاشق چای خوری	—	—	پروانه بزرگ زرد رنگ	پیرزن - پیرمرد داستان‌نویس
دستمال سفره توری ظریف	دستمال سفره	خورشید	عنکبوت کوچک مگس - سوسک سیاه - سوسک‌چاه حمام - آقا عنکبوت	—	—
جعبه آبرنگ	جعبه آبرنگ قلم‌مو	—	اسب سرکش طوطی سبز	—	پسرک - ملوان خدمتکار - دخترک

نمودار شماره پنج: گونه‌شناسی شخصیت، در داستان‌های «سکوت کیست» (ادامه)

نام داستان	شخصیت‌های اشیایی	شخصیت‌های پدیده طبیعی	شخصیت‌های جانوری	شخصیت‌های گیاهی	شخصیت‌های انسانی
یک تلفک و یک قلب	تلفک - قلب پلاستیکی خرگوش پلاستیکی عروسک	—	مادر خرس	—	پسرک
سکوت کیست	ماشین قرمز ماشین باری - دوپرخه روژک موتوری ماشین ورزشی بغل دستی بزرگ	—	—	—	پلیس
چکمه کهنه سلام میرساند	چکمه کهنه - چتر سیاه - پله - پُرس کفش - کیف پارچه‌ای گلدار	—	—	—	—
سنجاک سبز	آیچی	آقای هوا	زنبور عسل سنجاک سبز بچه زنبور	—	—
عطر و بوی خوش	عطر - گل‌دان لیوان بلور - قاشق نقره‌ای - عطردان	لبر	—	گل - نسترن گل چای	—
بادکنک زرد	بادکنک زرد بادکنک قرمز بادکنک صورتی سیب سرخ	لبر سفید - لبر زرد خورشید خانم	—	—	پیرمرد
از لسه‌های کوتاه درباره یک دختر کوچک	حلیم شیرخوراکی	خورشید خانم	پروانه	گل	ماشینکا مرد - مادر
۲۲	۷۲	۱۸	۳۵	۹	۳۲

نمودار شماره چهار، «فراوانی» شخصیت‌های کنشگر در داستانک‌های قلی‌اف را به دست می‌دهد. براساس شمارش عددی شخصیت‌ها، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد:

۱. شمار شخصیت‌هایی که در قالب «اشیا» تجسد یافته‌اند، بیش از دو برابر دو گونه دیگر آن، یعنی شخصیت‌های جانوری و انسانی است. این آمار، دست کم از دو زاویه، دیدنی است:

- زاویه‌ی نخست (از چشم نویسنده): شیء‌انگاری موجودات زنده و از جمله انسان.

داستان‌نویس، در دستگاه هستی‌شناختی‌اش، همه پدیده‌ها و موجودات زنده را به مثابه شیء و موجودی بی‌جان به حساب می‌آورد. شخصیت‌های شیء شده او، همه رفتارها و کنش‌ها و واکنش‌های تعریف شده در محدوده آدم‌ها را انجام می‌دهند. آن‌ها مانند انسان‌ها، حرف می‌زنند، راه می‌روند، داد و ستد می‌کنند، می‌اندیشند، مهر و کین می‌ورزند و حتی فلسفی می‌اندیشند.

در داستان «ساعت آهنگین»، ساعت در یک احتجاج هنرمندانه و فلسفی، به داستان‌نویس

می‌گوید: «حالا در دنیا اصلاً نشانی از موسیقی به چشم نمی‌خورد. به همین خاطر من یک‌سره می‌نوازم. کار دشواری است، اما انبیا نمی‌توانند بدون موسیقی زندگی را ادامه دهد»<sup>(۱)</sup>»

و در داستان «یک تفنگ و یک قلب»، زمانی که پسرک در کشتن اسباب‌بازی مکث می‌کند و می‌گوید: «بگذار یک کمی فکر کنم.»

تفنگ می‌گوید: «وقتی آدم می‌خواهد کسی را بکشد، اصلاً نباید فکر کند. فقط کافی است که بگویی، بنگ! بنگ! همین... اصلاً نیازی به فکر کردن نیست»<sup>(۲)</sup>». نویسنده در داستان «قانون طبیعت»، می‌کوشد رفتارهای مبتنی بر سازگاری و همزیستی مسالمت‌آمیز را در قالب کنش‌هایی ساده و زودفهم، به کودک و نوجوان بیاموزد. هر چند در جای جای داستان‌ها، داستان‌نویس بر آن است تا از شخصیت‌های شیء‌واره خود، نمادی برای آدم‌ها بسازد، روانی و سادگی درون داستان‌ها تا جایی است که این نمود از شخصیت‌پردازی را کم‌رنگ نشان می‌دهد.

خواننده کودک و نوجوان، سال‌ها بعد در رفتارشناسی آدم‌های پیرامون خود، نمونه‌هایی از شخصیت‌های شیء شده مانند بادکنک زرد و قرمز، ماهی‌تابه دهن‌گشاد و... را خواهد دید. آن‌گاه آسان‌تر خواهد توانست قاعده بازی را بفهمد و برتابد.

داستان‌نویس با شیء ساختگی آدم‌ها و موجودات زنده، به مخاطب کودک و نوجوان خود، توان و فرصت نزدیکی به شخصیت‌های پیچیده و دشواریاب و بعضاً خشن و خطرناک آدم‌ها را می‌دهد.

- زاویه دوم (از چشم خواننده): جان‌دارینداری اشیا و پدیده‌های بی‌جان زمینی و آسمان. این پندار، براساس یک قرارداد از پیش آماده ذهنی، همواره در دستگاه فکری کودکان و نوجوانان نهاد شده است. کودک، همان گونه که وقتی به حرکت ابر

و بازی باد با ابر در آسمان نگاه می‌کند و شکل‌های حیوانات گوناگون را در آن‌ها می‌بیند. به آسانی می‌تواند برای هر حرکت و نگاه و رفتار جانوران و پدیده‌های طبیعی منشأیی انسانی، در ذهن خود فرض کند. کودک با عروسک خود، حرف می‌زند و برایش شعر می‌خواند؛ زیرا عروسک را موجودی همانند خود به حساب می‌آورد.

۲. تنها در دو داستان کتاب، شخصیت‌اشیایی حضور ندارد، اما این وضعیت، یعنی عدم حضور شخصیت انسانی در ۹ داستان این مجموعه تکرار شده است.

۳. ۱۰ داستان، فاقد شخصیت حیوانی است. شخصیت‌های حیوانی، به دلیل جاندار بودن و نزدیکی اشتراک‌شان با شخصیت‌های انسانی، نزدیکی بیشتری به نسبت شخصیت‌های طبیعی و اشیایی، با ذهن کودک و نوجوان دارند.

۴. در ۱۱ داستان، شخصیت پدیده طبیعی حضور ندارد.

۵. در ۱۶ داستان نیز شخصیت گیاهی حضور ندارد.

در داستان‌ها و افسانه‌های ایرانی که در حوزه کودک و نوجوان بازنویسی و یا بازآفرینی شده‌اند، بیشترین حضور به شخصیت‌های جانوری مربوط است. کمتر اتفاق افتاده که گیاهی یا درختی، در داستان‌های بازنویشت ایرانی، به عنوان یک کاراکتر، نقش داشته باشد. نویسندگان و پدیدآورندگان متن‌های قدیمی، با نیت‌های تمثیل‌گرایانه از شخصیت‌های حیوانی به جای شخصیت‌های انسانی استفاده می‌کردند. در هیچ کدام از داستان‌ها و افسانه‌های قدیمی ایرانی، یک شیء در جایگاه شخصیت‌کنشگر ننشسته است. برای نمونه، در بازنویسی‌های انجام شده از متن

۱. سکوت کیست، ص ۱۴.

۲. همان، ص ۷۱.



و لطیف تنیده در لابه‌لای رویدادها و متن داستان، بلکه از مهندسی و طراحی رویدادها و گیرایی گفت و گوها و درک و دریافت کنش‌ها و شخصیت‌های تازه داستان، خوشش می‌آید. توانایی داستان‌نویس حوزه کودک و نوجوان، در همین توفیق، ارزیابی و اندازه‌گیری می‌شود. یفگنی قلی‌اف، یک بار دیگر نشان داد که می‌توان از خرده‌ریزها و پدیده‌های ساده و فراوان پیرامون، برای نوشتن داستان استفاده کرد.

«سکوت کیست»، مجموعه داستان‌های کوتاه خوش ساخت و خواندنی است. سرشت رویدادها و کارکردهای اسطوره‌ای و نمادین شخصیت‌ها، به افسانه‌ها و داستان‌های سرزمین ما، نزدیکی و همانندی چشمگیری دارد. همساختی و همтаفتی این داستان‌ها با افسانه‌ها و داستان‌های قدیمی ایران، ریشه در سرشتی یگانه دارد و آن هم‌ریشگی فرهنگی ملل مشرق زمین و از جمله ایران و روسیه است. به‌غیر از این، زبان ترجمه بانوشه‌لاطه‌ماسی که پیش از این، برگردان‌های بسیار پاکیزه‌ای از داستان‌های نو رولد دال، انجام داده است، در زیبایی و کیفیت این داستان‌ها یادکردنی است.

زمان آن رسیده است که داستان‌نویسان حوزه کودک و نوجوان ما، عرصه‌های بکر ذهن و زبان مخاطبان را بازشناخته، به آفرینش‌هایی نو دست یابند.

کلیله و دمنه، شخصیت‌های حیوانی به وفور حضور دارند.

شخصیت‌های حیوانی در کلیله و دمنه، از نظر بوم‌شناسی، به سه گونه تقسیم شده‌اند:

الف - شخصیت‌های آبی مانند ماهی و ...

ب - شخصیت‌های خاکزی مانند شیر، روباه، خرگوش، کبوتر، اردک، کلاغ، موش، گربه و ...

پ - شخصیت‌های دوزیست مانند: لاک‌پشت، مار، خرچنگ، ماهی‌خوار و ...

نویسنده در داستان‌های کتاب «سکوت

کیست»، بیش از آن که بخواهد به مخاطب خود، شی‌وارگی آدم‌ها و موجودات زنده را تفهیم کند، درصدد آن است تا با بهره‌گیری از فرایند ذهنی تخیل و خیال‌ورزی در نزد کودک و نوجوان، همذات پنداری و جاندار انگاری را برجسته نماید. از هر زاویه که به هنر داستان‌نویس بنگریم، به اندیشه وحدت‌گرایانه او نزدیک می‌شویم. به زبانی دیگر، رشته ناپیدا، ولی محسوس پیوندهنده پیکره و پیام این داستان‌ها، وحدت میان همه پدیده‌هاست. در این دستگاه فکری که نام فلسفی آن «وحدت وجود» است، تمام پدیده‌ها می‌توانند مانند هم باشند و در جای هم دیگر قرار گیرند. البته، مخاطب که با توجه به ذهنیت پاک و ساده خود، تفلسف را بر نمی‌تابد، وارد این حوزه‌ها و لایه‌های درونی پیام نمی‌شود و تنها از پیکره این داستان‌ها لذت می‌برد خواننده کودک و نوجوان، نه از عرفان ترم

